**بسم الله الرحمن الرحیم**

**مدرسه‌نمای146**

## یادداشت اول - چرا ده شب عزاداری؟

شاید برایتان سؤال شود که چرا از اول محرم برای حضرت اباعبدالله‌ ‌علیه‌السلام عزاداری می‌کنیم. ما اگر یکی از نزدیکانمان فوت کند، بیش‌تر از یک هفته عزاداری نمی‌کنیم. چه خبر است ده شب!؟ اما:

1. ائمه هدی‌علیهم‌السلام هم همین‌طور رفتار می‌کردند. مثلاً امام رضا علیه‌السلام در مورد پدر گرامی‌شان می‌گویند کسی از ابتدای محرم خنده بر لبان پدرم نمی‌دید.
2. مصیبت‌های عاشورا آن‌قدر جانگداز و سخت است که ممکن است مؤمنان نتوانند بی‌مقدمه وارد عاشورا شوند. پس خودشان را آماده می‌کنند.
3. از طرف دیگر کسانی که در اثر توجه به تعلقات دنیا احساس محبتشان به اباعبدالله علیه‌السلام کم شده باشد، ده روز فرصت دارند تا در محافل عزاداری با شنیدن مواعظ و معارف دینی آمادگی لازم را کسب نمایند تا مبادا در روز مصیبت بزرگ اباعبدالله ‌علیه‌السلام بی‌احساس و بی‌توجه حضور پیدا کنند.

پرسش:

چرا برای اباعبدالله الحسین علیه‌السلام ده شب عزاداری می‌کنیم؟

1. چون سیره اهل بیت علیهم‌السلام همین طور بوده.
2. برای این‌که بتوانیم آمادگی لازم برای حضور در عاشورا را پیدا کنیم.
3. هر دو

## ما و رسانه - «خوب» یا «زیبا»؟

رسانه‌ها کلیشه‌های ذهنی برای شما می‌سازند؛ یعنی کاری می‌کنند که بدون استدلال درست و درمان، در ذهن شما یک مفهوم «نه همیشه درست» جا بیفتد.

مثلاً برای ما جا افتاده که یک انسان «خوب» یک انسان «زیبا»ست! اما از کجا می‌دانیم که «یزید»، «زیبا» نبوده است؟ **چرا مطمئن هستیم که «معاویه» اگر امروز با عبا و قبا و دستار و محاسن و جلال و جبروت چهارده قرن پیش به روی منبر برود، ظاهری «زیبا» و فریبنده نخواهد داشت؟**

پس طبیعی است که مثلاً آدم‌های سیاسی برای «خوب» جلوه کردن خود را آرایش کنند و طبیعی است که چهره «زیبا»ی یک ورزشکار بر ناکامی‌های حرفه‌ای‌اش سایه بیندازد.

**اگر می‌خواهید حق را از باطل تشخیص دهید، به زندگی «واقعی» نگاه کنید و نه «رسانه‌ای».**

پرسش

برای تشخیص حق از باطل چطور باید به زندگی نگاه کرد؟

1. با عینک رسانه
2. واقعی و بدون پیش‌فرض و کلیشه ذهنی
3. از طریق دیگران

## احکام - دسته عزای شبانگاهی

تا پاسی از شب دسته عزا را در خیابان‌ها نگه داشته‌اند و مزاحم آسایش همسایه‌ها شده‌اند. درست است که شرکت در دسته‌های عزا کار پسندیده‌ای است، اما مردم‌آزاری حرام است و اجر کارشان را به باد می‌دهد!

متن دقیق رساله:

س: نظر شریف حضرت عالی نسبت به ادامه حرکت دسته های عزاداری در شب های محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

ج: به راه انداختن دسته های عزاداری برای سیدالشهدا و اصحاب او (علیهم السلام) و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگ‌ترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می کند، ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می شود و یا فی نفسه از نظر شرعی حرام است، پرهیز کرد.

استفتاء از دفتر مقام معظم رهبری، بخش احکام مناسبتی/ احکام عزاداری، سؤال 18، سایت leader.ir

پرسش:

راه انداختن دسته عزا در نیمه شب، اگر باعث آزار همسایگان شود چه حکمی دارد؟

1. حرام بوده و باید از مردم‌آزاری اجتناب کرد.
2. اشکالی ندارد، مردم باید این چند روز عزا را تحمل کنند.
3. مستحب است و عزاداران نباید فریب همسایگان دنیازده را بخورند.

## صفر و یک – نشان به آن نشان

وقت طلاست و فراتر از آن البته. مغز و اعصاب هم؛ مخصوصاً مغز و اعصاب پدر یا مادری که در راهبندان گیر می‌کند یا مسیر درست را نمی‌یابد؛ آن هم در این شهرهای شیردرشیر! «نشان» تا حدود زیادی شما را از این مصیبت‌ها خلاص می‌کند. درست است که مانند نمونه خارجی‌اش قدرت مسیریابی ندارد، ولی مدام دارد بهتر می‌شود. با «نشان» تقریباً می‌توانید خودتان و خانواده‌تان را از دردسرهای راه گم کردن و دیر رسیدن خلاص کنید. اگر هم آن وسط‌ها غذاخوری، بوستان، جایگاه سوخت و... نیازتان شد، «نشان» نزدیک‌ترینش را نشان‌تان می‌دهد.

## چراغ هدایت – پاداش ایمان

**ایمانت را تا لحظه آخر سفت و محکم نگه دار.**

\*\*\*

جنگ بالا گرفته بود. سپاه کم‌تعداد امام حسین علیه‌السلام از هر سو مورد حمله قرار می‌گرفت. تعدادی شهید شده بودند و دیگران در انتظار شهادت جهاد می‌کردند. ابوثمامه هنگامِ نماز را به امام یادآوری کرد. حضرت دعایش کردند. لشکر بی‌مروت ابن‌زیاد هنگام نماز هم دست از حمله نکشیدند و به نمازگزاران تیر انداختند. سعیدبن عبدالله سپرِ جانِ سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه شد و در پایان نماز از پا درآمد. امام سرش را به زانو گرفتند. **سعید در حال جان دادن گفت: «آیا به عهدم وفا کردم؟» حضرت فرمودند: «بله، تو پیشاپیش من در بهشت هستی.» سعید غرق سرور و شادی، در آغوش امام جان داد.**[[1]](#footnote-1)

**وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا[[2]](#footnote-2)**

## به‌زودی خداوند به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد بخشید.

پرسش:

خداوند به چه کسانی پاداش بزرگ می‌بخشد؟

1. کافران
2. مؤمنان
3. گنهکاران

## حکایت - نه فقط این حال، حال دگری هست تو را!

روباهی با گرگی مصادقت مى‌زد[[3]](#footnote-3) و قدم موافقت مى‌نهاد. با یكدیگر به باغی بگذشتند. در استوار بود و دیوارها پر خار. گرد آن بگردیدند تا به سوراخی رسیدند، بر روباه فراخ و بر گرگ تنگ. روباه آسان درآمد و گرگ به‌زحمت فراوان. انگورهای گوناگون دیدند و میوه‌های رنگارنگ یافتند. روباه زیرك بود، حال بیرون رفتن را ملاحظه كرد و گرگِ غافل چندان كه توانست، بخورد. ناگاه باغبان آگاه شد. چوبدستی برداشت و روی بدیشان نهاد. روباهِ باریك‌میان زود از سوراخ بجست و گرگِ بزرگ‌شكم در آنجا محكم شد[[4]](#footnote-4). باغبان به وی رسید و چوبدستی كشید. چندان بزدش كه نه مرده و نه زنده، پوست‌دریده و پشم‌كنده، از سوراخ بیرون شد.

بهارستان جامی

## پامنبری - حماسه خانوادگی

فلسفه ي همراه بردن اهل‌بيت توسط امام حسين ـ عليه‌السلام ـ اين بود كه قيام حضرت بدون آن‌ها كامل نمي‌شد. امام حسين ـ عليه‌السلام ـ با تدبير و حسابگري دقيق، زنان و فرزندان را همراه خود به كربلا برد تا راوي رنج‌ها و گزارشگر صحنه‌هاي عاشورا و پيام‌رسان خون شهيدان باشند و سلطه يزيدي نتواند بر آن جنايت عظيم پرده بكشد يا قضايا را به‌گونه‌اي ديگر وانمود كند. از اين رو، وقتي ابن عباس به حضرت گفت: «چرا زنان و كودكان را به عراق مي‌بري»، پاسخ داد: «انّ اللّه قدشاءِ اَنْ يراهُنَّ سبايا...»؛ خدا خواسته كه آنان را اسير ببيند. اين، اشاره به همان برنامه حساب‌شده دارد.

شهید مطهری، حماسه حسینی

## سیره خوبان – پسر شهید کربلا

شهید آیت‌الله مدنی می‌گفت:

«من در دو موضع نسبت به خودم شک کردم. یکی اینکه به من می‌گویند سید اسدالله! آیا واقعاً من از اولاد پیامبر هستم؟ و دیگر اینکه آیا من لیاقت آن را دارم که در راه خدا شهید بشوم یا نه؟

روزی به حرم امام حسین علیه‌السلام رفتم و در آنجا با ناله و زاری از امام خواستم که جوابم را بدهد. پس از مدتی یک شب امام حسین علیه‌السلام را در خواب دیدم که بالای سرم آمد و دستی به سرم کشید و این جمله را فرمود: **یا بنی انت مقتول؛ یعنی ای فرزندم کشته می‌شوی، که جواب دو سؤال من در آن بود.»**

## برای دوستم چی بفرستم - فیلم خوب می‌خوای یا پرفروش؟!

خواستم برم سینما و مردد بودم بین فلان فیلم کمدی که بازیگرای معروف زیاد داره و اون فیلم جدیده که در مورد دفاع مقدس ساختن. یه نگاه انداختم به آمار فروش فیلم‌ها و دیدم واویلا! چقدر فیلمای ارزشی غریب شدن. فیلمایی که این‌همه زحمت براشون کشیده میشه و بودجه‌شون تو راهروهای سازمان و وزارت تقسیم میشه. مصمم شدم پولمو بدم واسه اون فیلمی که ارزشیه، نه اینکه پولم بره تو جیب یه مشت به‌اصطلاح سوپر استار.

## تکاپو - نه فقط لگدپرونی!

تکواندو یکی از منظم‌ترین و علمی‌ترین هنرهای رزمی سنتی کره‌ای است که چیزی بیش از صرف مهارت‌های مبارزه فیزیکی به افراد یاد می‌دهد. این نظم و انضباطی است که از طریق آموزش بدن و ذهن، راه‌های تقویت روح و بالا بردن سطح زندگی را به افراد نشان می‌دهد. امروزه تکواندو تبدیل به یک ورزش جهانی شده و توانسته است شهرتی بین‌المللی به دست آورد. تکواندو یکی از بازی‌های رسمی المپیک است.

## درس و بحث - ما که تا الآن از بیرون فشار می‌دادیم!

شاید برایتان پیش آمده که توپ پینگ‌پونگ شما کمی رو به داخل فرورفتگی داشته باشد و بخواهید آن را برطرف کنید. چکار می‌کنید؟

فیزیک پیشنهاد می‌دهد که توپ را داخل آب جوش بیندازید! در اثر افزایش فشار هوای داخل توپ، فرورفتگی آن برطرف خواهد شد. اگر به یک سطح کروی از داخل فشار وارد آید، بی‌نظمی‌های سطح آن برطرف خواهد شد.

## چقدر باهوشی - سیب مفت باشه، هر چند تا می‌خواد باشه...

عده‌ای به‌ترتيب وارد باغی شدند و به شماره ورود خود سيب چيدند.

اولی يکی، دومی دوتا، سومی سه تا، و...

سپس سيب‌ها را روی هم ريختند و به طور مساوی بين خود تقسيم کردند و به هرکدام 9 سيب رسيد.

سؤال: تعداد نفراتی که سيب چيدند چند نفر بود؟

پاسخ: 17 نفر

## کتاب خوب – بچه‌های عاشورا

کتاب نمایشنامه «بچه‌های عاشورا» روایتگر بچه‌های محله بالا و محله پایین است که با هم دچار اختلاف هستند و هر بار به‌بهانه‌ای با هم درگیر می‌شوند. یک بار که بچه‌های بالا و بچه‌های پایین قصد لشکرکشی داشتند، حاج قاسم به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد که به جای این کار، یک مراسم تعزیه برپا کنند و بعد از آن هر کاری دلشان می‌خواهد انجام دهند. بچه‌ها هم تصمیم می‌گیرند که تعزیه را برگزار کنند و همین اجرای تعزیه، باعث حل و فصل شدن اختلافات آنان نیز می‌شود.

نویسنده: منوچهر اکبرپور، ناشر: سروش، تعداد صفحات: 40، قیمت: 4000

## دانستنی‌ها – شور و شیرین

سوره مبارکه فرقان آیه 53:

«وَهُوَ الَّذِی مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَیْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا»

و اوست كسى كه دو دریا را موج‏زنان به سوى هم روان كرد: این یكى شیرین [و] گوارا و آن یكى شور [و] تلخ است و میان آن دو، مانع و حریمى استوار قرار داد.

دلیل عدم تداخل آب‌ها در برخی دریاها، سال‌ها سؤال دانشمندان زیادی بوده و هست؛ پدیده‌ای که قرآن کریم سالیان پیش دلیل آن را شوری و شیرینی دو آب ذکر کرده است.

## عکس آقا

با رفیقم روز بعد از شروع سال، برای دیدار آقا به حرم آقا رفتیم. جمعیت زیادی بود. وقتی آقا وارد شدند همه شعار می‌دادند: «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند.» دیگری هنوز در حال و هوای قبل انقلاب بود: «ای شاه خائن! آواره گردی، خاک وطن را ویرانه کردی!» گفتم: «با کی کار داری حاجی؟ انقلاب کردیم و شاه رفته.» وقتی آقا در سخنرانی گفت: «ما بایستی تعصب داشته باشیم نسبت به مصرف داخلی و جنس داخلی و اقتصاد ملی‌مان»، رفیقم ایستاد و نعره‌زنان گفت: «وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد.»

گذشت و گذشت تا رسید به اینکه رفیق ما همه وسایل تحریرش را جنس خارجی خرید؛ از خودکار و مداد و کیف گرفته تا برچسب‌های کتابش. گفتم: «تو مگر در حرم شعار ندادی که...» عجب زمانه‌ای شده؛ عکس آقا را می‌چسبانیم، اما عکس آقا عمل می‌کنیم.

1. اعيان الشيعة، ج 1، ص 606 [↑](#footnote-ref-1)
2. نساء، 146 [↑](#footnote-ref-2)
3. مصادقت می‌زد: دوست بود [↑](#footnote-ref-3)
4. محکم شد: گیر افتاد [↑](#footnote-ref-4)